

A review and criticism of Malameho-Al-adab Fe Al-asre Al-abbasi Al-awal

Hossein Mirzaenia *

Abstract

Textbook and training book composition on the one hand require authors' knowledge, expertise and experience, and on the other hand must meet standard criteria. Therefore, the book that is compiled for a specific purpose of teaching at university should be reviewed in order to evaluate the author's theory.

This article seeks to evaluate the Malameho-Al-adab Fe Al-asre Al-abbasi Al-awal book written by Abdolhadi Abdullah Atieah in a descriptive, analytical manner. For example: lack of graphic design of the cover, page layout, lack of difference between the main text font and poetic verses, inappropriate layout and incompatibility in their volume, the presence of many typographical errors, incomplete reference method and lack of resource list. There are also serious flaws, including uncertainty of purpose, incompatibility between title, content, lack of method, lack of comprehensiveness and lack of horizontal connection with other courses. And in a word, the lack of the necessary criteria in an academic book.

Keywords: academic book; book review; criticism; Malameho-Al-adab Fe Al-asre Al-abbasi Al-awal.

* Associate professor of Arabic Department in Isfahan University, Isfahan, Iran

Date received: 2020-08-11, Date of acceptance: 2021-12-17

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی و نقد کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول

حسین میرزائی نیا*

چکیده

نگارش کتاب درسی و آموزشی از یک سو به دانش، تخصص و تجربه نویسنده و از سوی دیگر نیازمند رعایت معیارهایی است که چنین کتابی باید داشته باشد. بنابراین کتابی که با هدف ویژه آموزش در دانشگاه تدوین می شود باید به محک نقد درآید تا قصد و هدف نویسنده ارزیابی شود. این مقاله در پی آن است تا کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول نوشته عبدالهادی عبدالله عطیه را از نظر ساختار و شکل ظاهر و محتوا، بر اساس دیدگاه و معیارهایی که ناقدان حوزه نقد کتاب ارائه کرده اند، مطالعه و ارزیابی کند. نویسنده کتاب در بخش مقدمه اشاره می کند که این کتاب را برای دانشجویان و پژوهشگران نوشته و تلاش داشته است در تلفیق تاریخ ادبیات با متون شعری خواننده را به فهمی از این دوره رهنمون سازد. مهم ترین نتایج به دست آمده از این تحقیق اشاره دارد که این کتاب در شاخصه های شکلی دچار کاستی است از جمله: صفحه آرای نامناسب، عدم تفاوت فونت متن اصلی و ابیات شعری، باب بندی نامناسب و عدم تناسب در حجم آن ها و ... در شاخصه های محتوایی نیز نقص های جدی وجود دارد از جمله: مشخص نبودن هدف، عدم تناسب بین عنوان و محتوا، فقدان روش و ... در یک کلام می توان گفت که این کتاب معیارهای لازم را به منزله یک کتاب دانشگاهی برای مقطع کارشناسی ندارد، اما برای مقطع کارشناسی ارشد و دکتری می تواند به عنوان یک کتاب جنبی در درس تاریخ ادبیات عصر عباسی اول به دانشجویان معرفی شود.

کلیدواژه ها: کتاب دانشگاهی، نقد و بررسی، نقد کتاب، ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول.

* دانشیار گروه عربی دانشکده زبان های خارجی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷

۱. مقدمه

نقش بی‌بدیل کتاب در حفظ، انتقال و گسترش دانش و فرهنگ بر کسی پوشیده نیست. هرچند ابزارها و فناوری‌های نوین تلاش کرده‌اند به‌ویژه در امر آموزش جایگزین کتاب شوند، اما هنوز جایگاه کتاب در تمدن بشری ویژه است و نمی‌توان از آن بی‌نیاز شد. «کتاب نه تنها دستاوردهای بشری اعم از اندیشه‌های ادبی، هنری، علمی و فنی را نگاه می‌دارد و منتقل می‌کند، بلکه این دستاوردها را از صورت سیال درمی‌آورد و آن‌ها را تثبیت می‌کند» (کاردان، ۱۳۸۲، ص. ۱۴).

نگارش کتاب به‌منظور استفاده در فضاهای آموزشی از جمله دانشگاه‌ها ضرورت و ادامه دارد و نویسندگان با توانایی‌هایی گوناگون تلاش می‌کنند حاصل مطالبات و پژوهش‌های خود را در این قالب به فراگیران منتقل کنند.

اگر بپذیریم که «معمولاً کتاب‌های درسی محصول چرخه‌ای طولانی از فرایند تولید علم‌اند، این چرخه با مقالات علمی و همایش‌ها آغاز می‌شود و پس از تثبیت و پذیرش جامعه علمی، به‌عنوان بخشی از دانش پذیرفته شده و در این آثار منعکس می‌شود» (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۲).

ولی آیا هر کتابی قابلیت و کاربرد آموزشی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش موضوع نقد کتاب و اهمیت آن مطرح می‌شود، زیرا:

برای رسیدن به بهره‌وری مطلوب در تألیف کتاب‌های درسی و افزایش کارایی و اثربخشی آن‌ها لازم است کتاب‌های درسی موجود با استفاده از شیوه‌های درست، نقد و ارزشیابی شوند و برای تقویت نقاط قوت و برطرف کردن نقاط ضعف، تلاش‌های مؤثر و نتیجه‌بخش انجام شود (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲).

عموم پژوهشگرانی که در حوزه نقد کتاب و موازین و معیارهای این حوزه کار کرده‌اند در دو شاخص تقریباً مشترک‌اند: ۱. بررسی و نقد ظاهر و شکل اثر، ۲. بررسی و نقد محتوای اثر. هرچند در ریزشاخص‌ها تفاوت‌هایی در این نقدها به چشم می‌خورد.

نگارنده این مقاله در پی آن است که کتاب *ملامح الأدب فی العصر العباسی الأوّل* نگارش عبدالهادی عبدالله عطیه را بر اساس دو شاخص فوق، بررسی و ارزیابی کند و به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد:

۱. نقاط ضعف وقوت در ساختار و محتوای این کتاب چیست؟
۲. آیا این کتاب به لحاظ ساختار و محتوا قابلیت آن را دارد که برای درس تاریخ ادبیات عصر عباسی اول به عنوان منبع پیشنهاد شود؟

۲. آشنایی کلی با کتاب و نویسنده

کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول به قلم عبدالهادی عبدالله عطیه در سال ۲۰۰۰ به رشته تحریر درآمده است و در سال ۲۰۰۵ از سوی انتشارات بستان المعرفة در اسکندریه مصر چاپ شده است.

این کتاب در ۲ باب و ۱۱ فصل و ۴۸۹ صفحه تدوین شده و نویسنده، آن را به دکتر محمد زکی العشماوی، استاد ادب عربی دانشگاه اسکندریه، تقدیم کرده است. وی در مقدمه کوتاه کتاب اشاره می کند که: «یک عصر ادبی را نمی توان به صورت مختصر و در یک جلد کتاب مورد بررسی قرار داد و تلاش کرده ام در این اثر، تاریخ ادب عصر عباسی اول به ویژه شعر را مورد بررسی قرار دهم» (عطیه، ۲۰۰۵، ص. ۱۱). «نویسنده همچنین در انتهای مقدمه خود بیان می کند که تا جایی که توانستم تلاش کردم مطالب این کتاب در قالب جلد یک را پیراسته ذکر کنم و آن را به دانشجویان و پژوهشگران تقدیم می کنم» (همان).

نویسنده کتاب با محوریت خلفای عصر اول عباسی، روایت های تاریخی را در خصوص علاقه خلفا به شعر و ادب و سرایش و نقد شعر توسط آنها و دیگر درباریان و حضور شاعران و عالمان و جایگاه ویژه آنها در دربار نقل می کند و به این سبب فصل ها را با نام خلفا نام گذاری کرده است.

باب اول کتاب با نام «شعر در دربار خلفا در عصر عباسی اول» مشتمل بر ۱۱ فصل است: فصل ۱ شعر در عصر سفاح، فصل ۲ شعر در عصر منصور، فصل ۳ شعر در عصر مهدی، فصل ۴ شعر در عصر هادی، فصل ۵ شعر در عصر رشید، فصل ۶ شعر در عصر امین، فصل ۷ شعر در عصر مأمون، فصل ۸ شعر در عصر معتصم بالله، فصل ۹ شعر در عصر واثق، فصل ۱۰ شعر در عصر متوکل، فصل ۱۱ شعر در دوره دوم عصر عباسی اول؛ و باب دوم با عنوان شعر در کاخ های خلافت عباسی که مشتمل بر هیچ فصلی نیست.

با جست و جو در اینترنت هیچ شرح احوالی از نویسنده به دست نمی آید، اما به تصویر چند اثر دیگر از وی دست می یابیم:

۱. شعر المهدانی فی مقاماته، تحلیل و نقد، ۱۹۹۶.
۲. مقامات بدیع الزمان الهمدانی؛ فی نثر القرن الرابع الهجری، ۲۰۰۲.
۳. ملامح التجدید فی موسیقی الشعر العربی، ۲۰۰۲.
۴. ملامح نقدیة فی الأدب العربی، ۲۰۰۲.
۵. نظرات فی الأدب العربی و نقده، دراسة تحليلیة، ۲۰۰۶.

۳. پیشینه تحقیق

منابعی که به عنوان کتاب درسی در دانشگاه مورد استفاده قرار می گیرند باید به لحاظ ساختار و محتوا مبتنی بر معیارهایی که پژوهشگران حوزه نقد کتاب تدوین کرده اند مورد بررسی و نقد قرار گیرند تا سنجیده شود که آیا قابلیت و شرایط لازم برای تدریس شدن دارند یا خیر؟ و اگر این قابلیت را دارند، در چه سطح و مرحله ای قابل استفاده اند؟

طی سال های گذشته کتاب های فراوانی در رشته عربی به قلم استادان ایرانی و غیرایرانی نوشته شده، که بررسی و نقد و نتایج آن در قالب مقالاتی چاپ شده است که به چند نمونه از آن اشاره می شود:

۱. مقاله «بررسی و نقد فی تاریخ الأدب العباسی؛ الرؤیة والفن»، اثر ابوالحسن امین مقدسی و همکاران، که در پژوهش نامه انتقادی متون، شماره ۱، ۱۳۹۶ چاپ شده است. نویسندگان پس از معرفی اثر بر اساس چهار شاخصه ارزیابی شکل ظاهری، ساختاری، زبانی و محتوایی کتاب را بررسی کرده اند.
۲. مقاله «چالش های ترجمه متون نقد ادبی عربی معاصر نقدی بر کتاب الشعر العربی المعاصر قضایاه وظواهره الفنيّة والمعنویة» اثر علی بشیری و علیرضا کاوه نوش آبادی که در پژوهش نامه انتقادی متون، شماره ۴، ۱۳۹۷ چاپ شده است. نویسندگان ترجمه سید حسین سیدی از این کتاب را نقد کرده اند و معتقدند که نواقصی وجود دارد که باید در تجدید چاپ این کتاب مدنظر قرار گیرد.
۳. مقاله «نقد و تحلیل محتوا در تراز کتاب های درسی دانشگاهی مطالعه موردی: کتاب قواعد و متون عربی» اثر عیسی متقی زاده که در پژوهش نامه انتقادی متون، شماره ۴، ۱۳۹۷ چاپ شده است. نویسنده مقاله پس از بررسی شکلی و محتوایی این کتاب

به این نتیجه رسیده است که این اثر فاقد برخی از ویژگی‌های یک کتاب دانشگاهی است.

۴. مقاله «بایسته‌های کمی و کیفی مواد آموزشی رشته زبان و ادبیات عربی با تکیه بر نقد کتاب ملامح النثر الحدیث و فنونه» اثر پیمان صالحی که در پژوهش‌نامه انتقادی متون شماره ۴، ۱۳۹۷ چاپ شده است. نویسنده پس از بررسی شکلی و محتوایی کتاب، موارد قوت و نقص آن را مشخص کرده است.

۵. مقاله «نقدی بر کتاب مختارات من روائع الأدب العربی فی العصر العباسی الأول» اثر محسن یوسفی و مهوش حسن‌پور که در پژوهش‌نامه انتقادی متون، شماره ۴، ۱۳۹۷ منتشر شده است. نویسندگان پس از تحلیل ساختاری و تحلیلی کتاب پیشنهادهایی برای بهبود و کاربردی‌تر شدن آن داده‌اند.

با توجه به موارد ذکر شده و دیگر مواردی که جست‌وجو شده و مورد بررسی قرار گرفته، اما به دلیل طولانی شدن مطلب از ذکر آن‌ها خودداری شده است، مشخص شد که تاکنون کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول تاکنون بررسی و نقد نشده و امید است این بررسی برای استفاده‌کنندگان مفید باشد.

۴. بررسی و ارزیابی ساختار ظاهری

از آن جایی که کتاب درسی از جمله کتاب‌هایی است که با هدف ویژه طراحی می‌شود و مخاطب خاص دارد، بنابراین ضروری است که از سوی نویسنده و ناشر نسبت به ظاهر و استحکام کتاب توجه ویژه‌ای شود.

۴-۱. طراحی جلد و استحکام کتاب

جلد کتاب بخشی از هویت بصری آن محسوب می‌شود. اهمیت طراحی جلد کتاب به‌عنوان اولین عنصر بصری در ارتباط با مخاطب، حاوی اطلاعات مهمی از ماهیت کتاب و متون درون آن است. وقتی خواننده کتابی را با جلد و استحکام خوب می‌بیند ناخودآگاه نسبت به آن نظر مثبت پیدا می‌کند و به آن جذب می‌شود.

امروزه شاهدیم که نویسندگان و ناشران به جلد، تنها به عنوان یک محافظ برگه‌های کتاب نمی‌نگرند، بلکه تلاش می‌کنند با کمک طراحان گرافیک با ایجاد جذابیت بصری، خواننده بیشتر و درحقیقت فروش بیشتر برای خود تضمین کنند.

همچنین، در کتاب درسی «شیرازه محکم و صحافی حرفه‌ای و طرح رو جلدی که هنرمندانه طراحی شده است بر جذابیت کتاب می‌افزاید و مقبولیت و پذیرش آن را در جامعه مخاطبانانش افزایش خواهد داد» (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۱۵).

جلد کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول که در اختیار من قرار گرفته است عبارت است از یک صفحه کاملاً سفید بدون هیچ طرح و تنوع رنگ که فقط عنوان، نام نویسنده و سال چاپ بر روی آن نقش بسته است. برای نگارش عنوان از فونت Tw Kohneh با شماره قلم‌های متفاوت استفاده شده است، اما سال چاپ با فونت انگلیسی در پایین صفحه آمده است که هماهنگی با خط عنوان ندارد. جلد کتاب هیچ جذابیت بصری‌ای ندارد و پشت جلد هم کاملاً سفید است، این در حالی است که با نوشتن چکیده‌ای از محتوای کتاب به همراه تصویر نویسنده و یا شرح حال مختصر وی و معرفی آثار دیگرش، می‌توانست اطلاعات مفیدی به خواننده بدهد.

البته شیرازه کتاب بسیار محکم به نظر می‌رسد و خوب صحافی شده است و در اثر استفاده مکرر به آن خللی وارد نمی‌شود. البته گفتنی است که نسخه اصلی این کتاب که از اینترنت قابل دانلود است، طراحی جلد و رنگ‌بندی بسیار زیبایی دارد.

۲-۴. حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی

کیفیت حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی (تایپ) نیز از عوامل جذابیت کتاب است. برای مثال، استفاده از حروف متفاوت در متن (تفاوت نوع حروف، اندازه حروف، رنگ حروف) جهت برجسته کردن برخی از نکات علاوه بر آنکه توجه دانشجو را به نکات اصلی متن جلب می‌کند، موجب چشم‌نوازی صفحات کتاب نیز می‌شود (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۱۵).

در نگاهی به کتاب مورد بحث مشاهده می‌کنیم که صفحات عنوان باب‌ها با فونت Tw Kohne Outline و فصل‌ها با فونت Kohneh bold تنظیم شده، اما متن اصلی کتاب از ابتدا تا انتها به صورت یک‌دست از فونت Tw Almutannebi استفاده شده است و اطلاعات پانویس

هر صفحه با فونت Traditional Arabic و کوچک‌تر از متن اصلی نوشته شده است. این فونت‌ها مناسب هستند و شماره قلم در حجمی انتخاب شده است که هنگام مطالعه چشم خسته نمی‌شود.

اما یکی از ایراداتی که در نگارش متن این کتاب وجود دارد این است که در نگارش «ی» که در خواندن «أ - الف» مقصوره خوانده می‌شود و نگارش «ی» که در خواندن «یاء» تلفظ می‌شود هیچ تفاوتی نیست، درحالی که در نگارش متون عربی رعایت این نکته مرسوم است. مثلاً واژه مصطفی با واژه رضی که با یاء نوشته می‌شود متفاوت است و این امر در نگارش فعل‌ها نیز جاری است. برای مثال فعل یثنی اگر با الف مقصوره نگارش و خوانده شود یک معنا دارد و اگر با یاء و به صورت یثنی نگارش و خوانده شود معنای دیگری خواهد داشت.

البته اهل فن که آشنا به قرائن موجود در عبارت هستند با مشکل مواجه نمی‌شوند، اما اگر به عنوان کتاب درسی تدوین و مورد استفاده قرار گیرد حتماً باید رعایت این نکته‌ها بشود چرا که به عنوان تجربه شخصی در کلاس‌های دانشجویان عرب‌زبان هم شاهد بوده‌ام که در خواندن متن در چنین حروفی دچار اشتباه می‌شوند.

از نظر صفحه‌آرایی، فاصله‌گذاری چپ و راست و بالا و پایین صفحات خیلی مناسب است. اما اشکالاتی را نیز در این زمینه شاهدیم.

زمانی که در یک متن قرار است از ابیات شعری استفاده شود بهتر است که این ابیات به گونه‌ای در صفحه تنظیم شوند که با خطوط متن اصلی تفاوت داشته باشند و فاصله سمت راست و چپ و حتی بین سطرهای آن‌ها با متن اصلی یکسان نباشد تا خواننده بتواند آن‌ها را از یکدیگر تشخیص دهد، اما متأسفانه در بیشتر متن کتاب، این امر رعایت نشده است و اگر قلم نازک‌تری برای شعرها انتخاب می‌شد و جاگذاری آن‌ها در صفحه تنظیم می‌شد، قطعاً برای خواننده جذاب‌تر بود.

از نظر تنظیم تعداد سطرهای موجود در هر صفحه نیز در موارد بسیاری رعایت نشده است. در حالی که در انتهای صفحه به اندازه یک تا چند سطر فضای خالی وجود دارد، ادامه مطلب به صفحه بعد رفته است؛ مثلاً صفحات ۱۸، ۲۱، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۲۸ و... و به ندرت می‌توان صفحه‌ای یافت که درست تنظیم شده باشد و طبیعی است که عدم رعایت این امر، بر تعداد صفحات کتاب می‌افزاید.

اشکال دیگری که در این زمینه به چشم می‌خورد این است که در برخی از صفحات مانند ۸۴، ۱۳۱، ۱۶۰ و... واژه‌ها محو شده‌اند و قابل خواندن نیست و چنین به نظر می‌رسد که گویا این کتاب صفحه‌آرا نداشته است.

۳-۴. حجم کتاب و پیکره‌بندی فصل‌ها

کتابی که با هدف ویژه طراحی و تألیف می‌شود باید متناسب با نیاز جامعه هدف و اهداف تعیین شده باشد. به‌طور طبیعی کتابی که برای آموزش در دانشگاه تدوین شده است، باید نگاهی به مقاطع سه‌گانه کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و تعداد جلسه‌ها و ساعت‌های کلاس‌ها داشته باشد. بنابراین، حجم کتاب و مطالب به‌طور قطع تابعی از متغیرهای گوناگون است و اگر گفته می‌شود که «برای هر درس، میانگین حدود یک‌صد صفحه مناسب است» (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۸). باید مشخص شود که برای کدام یک از مقاطع سه‌گانه و بر اساس کدام شاخص؟

از نظر تناسب، بین اجزا و باب‌های این کتاب هیچ تناسبی را شاهد نیستیم. کافی است در آغاز نگاهی به مقدمه این اثر داشته باشیم که در چهارونیم صفحه خلاصه شده است، این درحالی است که برای کتابی با این حجم، انتظار می‌رود نویسنده کتاب مطالب بیشتری درخصوص اهمیت مطالعه این کتاب، تأثیراتی که مطالعه این کتاب می‌تواند بر خواننده داشته باشد، دلیل انتخاب این شیوه چیدمان و بیان مطالب، اختصاص دهد.

اما باب اول مشتمل بر یازده فصل است که ۴۲۱ صفحه را به خود اختصاص داده و باب دوم بدون داشتن هیچ فصلی ۶۴ صفحه است. هرچند حجم فصل‌های باب اول نیز با یکدیگر تناسب ندارد و هیچ توافقی بین آن‌ها رعایت نشده است: فصل اول ۱۲ صفحه، فصل دوم ۴۶ صفحه، فصل سوم ۴۶ صفحه، فصل چهارم ۱۲ صفحه، فصل پنجم ۹۸ صفحه، فصل ششم ۱۹ صفحه، فصل هفتم ۷۱ صفحه، فصل هشتم ۱۰ صفحه، فصل نهم ۱۳ صفحه، فصل دهم ۳۲ صفحه، فصل یازدهم ۲۷ صفحه. لذا با نگاهی به پیکره‌بندی باب‌ها و فصل‌های این کتاب می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب شاخص‌های لازم برای آنکه در دانشگاه تدریس شود را ندارد.

۴-۴. قواعد ویرایشی و نگارشی

به‌طور قطع و یقین رعایت نکته‌های ویرایشی در هر کتاب علمی دانشگاهی جایگاه ویژه‌ای دارد، چراکه تألیفات دانشگاهی می‌تواند به‌عنوان معیار برای دیگر نویسندگان مدنظر قرار بگیرد و در عین حال که رعایت این اصول در بسیاری از موارد به خواننده در خوانش درست و برداشت صحیح از متن کمک می‌کند، به‌ویژه آنکه متن عربی برای خواننده غیرعرب بخواهد مورد استفاده قرار گیرد.

نقاط قوت:

- کتاب موردبحث ما از نظر استفاده از نشانه‌های سجاوندی مانند «،»، «،»، «،»، «،»، «،» و... جایگاه خوب و مناسبی دارد.

- کاربرد همزه قطع بر روی حروف کاملاً رعایت شده است.

- پاراگراف‌بندی کتاب کاملاً مناسب است.

- از نظر طول جمله‌ها، نویسنده تلاش کرده است که از عبارتهای کوتاه استفاده کند که این مسئله نیز در جای خود مهم است و به خواننده به‌ویژه دانشجوی غیرعرب در فهم عبارتها بسیار کمک می‌کند.

نقاط ضعف:

- نشانه تشدید بر روی کلمات اصلاً رعایت نشده است و خواننده بر اساس تجربه خود باید آن را تشخیص دهد.

- گذاشتن اعراب بر روی برخی کلمات ناآشنا به‌منظور خوانش صحیح کلمه امری پسندیده است، اما در متن این کتاب و حتی در واژه‌های ابیات شعری این نکته رعایت نشده است. نویسنده در موارد بسیاری در پاورقی به‌صورت توصیفی، خوانش صحیح واژه را بیان می‌کند مثلاً در صفحه ۲۰ چنین آمده است: «البهالیل بضم الباء، وتر بکسر الواو، نمرقه بضم النون والراء وسکون المیم والنمرقه بکسر النون والراء و...» که تا پایان کتاب همین روش را ادامه داده است، در حالی که با گذاشتن نشانه‌ای کوچک بر روی حروف واژه‌ها خودش و خواننده را از این مشکل رهایی می‌داد و بر تعداد واژه و سطر و صفحه هم افزوده نمی‌شد.

- یکی از مشکلات چشم‌گیر در این کتاب، وجود غلط‌های چاپی چه در متن و چه در پانویست است که از آغاز تا پایان کتاب کاملاً به چشم می‌خورد. مثلاً در پانویست صفحه ۲۱

نوشته است: الکامل فی التریخ که صحیح آن التاریخ است؛ در صفحه ۵۹ نوشته: زهرالداب و ثمر الألباب که صحیح آن الآداب است؛ در صفحه ۱۰۲ در مصراع دوم بیت آمده: إن المضاجع ینب الإبرا که صحیح آن ینب است؛ در صفحه ۱۵۲: ثم استدعی الجارتین که صحیح آن الجاریتین است؛ در صفحه ۲۰۱: سال الصمعی که درست آن الأصمعی است؛ در صفحه ۲۲۸: در بیت سوم واژه الاثنانی که درست آن الأثنافی است؛ در صفحه ۲۴۰ بیت اول واژه للطرف نوشته شده که درست آن الطرف است؛ و این غلطها آن قدر زیاد است که از حوصله این نوشتار خارج است و نیاز به ویرایش جدی دارد.

- اشتباهات نحوی نیز در این کتاب به چشم می‌خورد که به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود:

در صفحه ۲۴۱: «أن يضع لهم شعر» نوشته شده که صحیح آن «شعرا» است که مفعول فعل سابق است؛ در صفحه ۳۳۷ فعل امر مفرد مذکر مخاطب فانقم را فانقمی نوشته، این در حالی است که در بیت شعر، شاعر مجاز است به ضرورت شعری و برای درست شدن وزن چنین بگوید، اما در نوشتار نثری و شرح بیت باید صحیح آن نوشته شود. در صفحه ۳۵۰ نوشته شده است «فی مکان واحده» که قاعداً صفت مذکر باید مذکر بیاید.

۵-۴. ارجاع دهی

«مطالب کتاب دانشگاهی باید مستند باشد و نویسنده به نحوی، خواه در متن یا در حواشی و یا پایان هر فصل دقیقاً منابع و مأخذی را که استفاده کرده است قید کند» (کاردان، ۱۳۸۲، ص. ۱۸). درحقیقت ذکر منابع استفاده در اثر علمی، نه تنها موجب تقویت بنیه معرفتی اثر است، بلکه نشان از آگاهی و احاطه نویسنده بر منابع و آثار پیش از نوشتار خود دارد و فاصله اثر خود را با آثار پیشین نشان می‌دهد و اینکه این اثر «چه نسبتی با آثار دیگران دارد، تبار اثر فعلی به کجا می‌رسد و در چه مواردی از آثار دیگران فاصله می‌گیرد» (اسلامی، ۱۳۹۲، ص. ۵).

کتاب موردبحث ما از شیوه ارجاع پانوش (برون‌متنی) استفاده کرده است «در اینجا نویسنده پس از نقل مطلب موردنظر با شماره‌ای خواننده را به انتهای همان صفحه ارجاع می‌دهد» (همان، ص. ۱۰) که البته این شیوه در زمان نگارش کتاب روشی مرسوم بوده است.

در شیوه فوق چنین بود که در ارجاع اول هر منبع، تمام اطلاعات آن نوشته می‌شد و در ارجاعات بعدی به همان منبع، به ذکر نام نویسنده و کتاب و صفحه بسنده می‌شد. اما در این کتاب، این شیوه به صورت ناقص و نارسا انتخاب شده و شیوه یکسانی در کتاب دنبال نشده است؛ یعنی در سراسر این کتاب که ۴۹۸ صفحه است با استفاده از ۶۶ منبع، ۴۷۲ ارجاع ذکر شده و عموماً به ذکر نام کتاب و صفحه و احیاناً جلد بسنده شده و به ندرت نام نویسنده در ارجاعات آمده است. حتی در اولین بار که به آن اثر ارجاع شده است. برای نمونه نوشته است: العقد الفرید ۳۰۵/۱. هر چند که گاهی انتشارات همین اثر را هم ذکر می‌کند مثلاً در صفحه ۵۳، ۵۶، ۱۳۰ و... چنین آمده است: العقد الفرید، المكتبة التجارية ۳۶۸/۱ و فقط در ارجاع به ۲ منبع که هر کدام را ۳ بار استفاده کرده نام نویسنده را ذکر کرده که نوشته است: طبقات الشعراء لابن المعتز والکامل فی التاريخ لابن الأثیر و یک منبع را نیز ۲ بار استفاده کرده و نوشته است: کتاب التاج للجاحظ. این در حالی است که ۲ بار نیز به کتاب الحیوان که اثر دیگر جاحظ ارجاع داده، اما نامی از او نبرده است و یا تاریخ الامم و الملوک اثر طبری را ۶ بار استفاده کرده، ولی با همان نام مشهور تاریخ الطبری ارجاع داده است.

نکته دیگر این است که در نظام ارجاعات گوناگون زمانی که از یک منبع به طور پیوسته و پشت سر هم استفاده شود، در ارجاع دوم فقط نوشته می‌شود: همان و یا در عربی: المصدر نفسه و اگر صفحه و جلد هم یکسان باشد نوشته می‌شود: همان، همان جا و در عربی: المصدر نفسه، الصفحه نفسها. اما این قاعده نیز در این کتاب رعایت نشده است و چندین بار یک منبع پشت سر هم استفاده شده و نام کتاب و جلد همان است.

۴-۶. فهرست‌ها

وجود برخی فهرست‌ها در یک کار دانشگاهی و آموزشی ضروری و برخی دیگر وجودش برای مخاطب و فراگیر سودمند است و اطلاعات تکمیلی در اختیار او قرار داده و استفاده از اثر را راحت‌تر و سودمندتر می‌کند.

از جمله فهرست‌های ضروری که فقدانش کاستی اساسی در اثر است، فهرست منابع و فهرست مطالب است. اما این کتاب مورد بحث که نویسنده آن یک فرد دانشگاهی است و یقیناً آثار علمی بسیاری را خوانده و مشاهده کرده است، فهرست منابع ندارد. به این روی

استفاده‌کننده از کتاب برای یافتن نام نویسندگان و دیگر مشخصات کتاب‌ها باید خودش اقدام و جست‌وجو کند.

در این کتاب، به حدود ۱۱۳۸ بیت شعر از حدود ۹۰ شاعر گوناگون استشهد شده است و نام‌های زیادی اعم از شاعران و دیگران در متن آمده است. بنابراین، وجود فهرست ابیات و اعلام ضروری به نظر می‌رسد، اما فاقد آن است.

۵. بررسی و ارزیابی محتوا

از یک کتاب آموزشی و دانشگاهی انتظار می‌رود که دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را کارآمد و اثربخش کند.

کتابی کارآمد است که بتواند پیام اصلی پدید آورنده خود را به روشنی تبیین و هدف نهایی از نگارش خود را تأمین کند... و منظور از اثربخشی نیز بازتابی است که هر کتاب دانشگاهی بر جامعه مخاطبان خود دارد، زیرا سرنوشت هر کتاب را خوانندگان آن کتاب تعیین می‌کنند. بنابراین، کتابی که بتواند بازتابی مثبت بر جامعه مخاطب داشته باشد و تحولی در اندیشه آنان ایجاد کند اثربخش خواهد بود (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۳).

۱-۵. عدم تناسب عنوان و موضوع

«مهم‌ترین اصل و آنچه در ارزیابی یک کتاب درسی دانشگاهی بدان توجه می‌شود انتخاب موضوع و عنوان مناسب است» (متقی‌زاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۴). در کتاب موردبحث ما بر اساس آنچه نویسنده در مقدمه ذکر کرده است موضوع پژوهش او «تاریخ ادب عربی در عصر عباسی اول است» (عطیه، ۲۰۰۵، ص. ۸) اما عنوانی که بر روی کتاب می‌بینیم با موضوع موردنظر نویسنده تناسب و تطابقی ندارد و کم‌تر خواننده‌ای با دیدن واژه‌های این عنوان می‌تواند دریابد که این کتاب به بررسی تاریخ ادب عربی اختصاص دارد، به‌ویژه آنکه نویسنده در مقدمه کتاب اشاره کرده که عمده تأکید او بر شعر و شاعران و رویکرد آن‌هاست (همان، صص. ۱۰-۱۱)، در حالی که در عنوان، واژه عام ادب استفاده شده که اعم از شعر و نثر است.

۲-۵. جامعیت

«کتاب درسی در زمینه موردنظر خود باید جامع باشد. جامع بودن مطالب کتاب درسی بدین معناست نیست که دارای جایگاهی برای گردآوری هر مطالبی است» (رضی، ۱۳۸۸، ص. ۲۲). بلکه «می‌توان به جامعیت نسبی و قابل قبول رسید؛ به این معنا که بیشتر مخاطبان به اغلب مباحث موردنظر خود در آن اثر دست یابند» (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۸). نکته مهم‌تر این است که کتاب درسی دانشگاهی باید بتواند سرفصل درس مقطع موردنظر را پوشش دهد و متناسب با زمان‌بندی ترم تحصیلی باشد. بنابراین، جمع کردن بین این ویژگی‌ها نیاز به دانش و تجربه در امر تدریس دارد.

در کتاب ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول، خواننده در نگاه اول و با دیدن این عنوان چنین برداشت می‌کند که تمامی موضوعات و فنون ادبی را مورد بحث قرار داده است، این در حالی است که در محتوای ارائه شده اولاً، فقط به شعر پرداخته شده است و ثانیاً، از بین موضوعات شعری نیز بالغ بر ۹۵ درصد به موضوع مدح و اشعار شاعران در مدح خلفای عباسی پرداخته است و به ندرت به نمونه‌هایی از هجو، رثا، غزل، زهد، اعتذار، وصف طبیعت، حماسه و... اشاره کرده است.

نکته مهم‌تر این است که نویسنده کتاب در مقدمه بیان می‌کند که تلاش کرده در حوزه تاریخ ادب کتابی بنویسد و به نظر می‌رسد که از دیدگاه وی ذکر روایتی از یک کتاب درخصوص یک واقعه و آوردن ابیاتی از یک شاعر یا یک خلیفه و ترجمه واژه‌های مشکل این ابیات در پاورقی، بیان تاریخ ابیات است، درحالی که با مراجعه به پژوهشگران این حوزه چیز دیگری را می‌بینیم.

تاریخ ادبیات یکی از گسترده‌ترین قلمروهای دانش ادبی است و ورود به آن نیازمند دانش‌های تخصصی زیادی همچون سبک‌شناسی، نقد ادبی و بلاغت است و هم نیازمند آگاهی از مبانی و مسائل روش‌شناسی. پدیدآور چنین اثری بیش از هر چیز باید به تبیین چارچوب اهداف و وظایف تاریخ ادبیات اهتمام نماید (قمری، ۱۳۹۶، ص. ۷۷).

و خواننده در اثر منتشر شده باید شاهد اجرای تخصص‌های ذکر شده، در متون موردبحث در کتاب باشد و نیز باید بداند که:

ساختارگرایان سه وظیفه اصلی برای تاریخ ادبیات برشمرده‌اند: الف: مطالعه تغییرات ادبی ب: بررسی ژانرهای ادبی، هم در دوره‌های مختلف و هم در گذر تاریخ و شناخت روابط آن، ج: مشخص کردن قوانین تغییر که به گذار از یک دوره به دوره دیگر مربوط می‌شود (تودورف، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۰ به نقل از فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۵۳).

نویسنده کتاب، نه در مقدمه و نه در جای دیگر تعریف خودش از تاریخ ادب را بیان نکرده است تا خواننده دریابد که هدف و روش این پژوهش چیست؛ این در حالی است که «امروز تاریخ ادبیات‌نگاری یک فن محسوب می‌شود که اصولی دارد و هر مورخ ادبیات باید آن‌ها را بشناسد و بر اساس آن‌ها هدف و روش تحقیق خود را مشخص کند» (میرباقری‌فرد، ۱۳۸۴، ص. ۱). نویسنده حتی تعریفی از مفهوم ادب و ادبیات و تاریخ ادب را نیاورده است تا تلقی او از ادبیات برای خواننده از آغاز روشن شود و یک ناقد نیز مبتنی بر آن تعریف و دیدگاه بتواند محتوای کتاب را ارزیابی کند، حال آنکه «مورخ ادبی ناگزیر است در آغاز کار تعریفی روشن از ادبیات داشته باشد تا قلمرو کار خود را بشناسد و مشخص کند از منظر وی کدام متن و کدام رویداد ادبی است و کدام نیست» (فتوحی، ۱۳۸۷، ص. ۵۶).

در کتاب موردبحث، نویسنده به هیچ یک از رسالت‌های تاریخ ادبیات نپرداخته و فقط روایاتی تاریخی با محوریت خلفای عباسی ذکر کرده و در انتهای برخی از روایت‌ها تحلیل خود را از آن رویداد بیان کرده است. وی در نهایت همواره بر این نکته تأکید کرده که شعر در دربار خلفای عباسی دارای ارج و ارزش بوده، خلیفه خود شاعر - منتقدی زبردست و توانا بوده، شعر را کاملاً می‌فهمیده، خودش نیز دستی در سرایش شعر داشته است، شاعران را گرامی می‌داشته و به آن‌ها صله و پاداش فراوان می‌داده است، حتی کنیزکان و آوازه‌خوانان دربارش هم توانایی بر سرایش شعر داشته‌اند، خلفا جلسه‌های علمی با عالمان، ناقدان و لغت‌شناسان و... داشته و علم و عالم را گرامی می‌داشته‌اند، و... (بنگرید به ص. ۲۷، ۴۴، ۴۸، ۵۳، ۶۱، ۷۱، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۷۶ و...) و این عبارات تا پایان کتاب به صورت متناوب تکرار می‌شود.

۳-۵. روز آمدی

منظور از روزآمدی، همراهی نویسنده با پیشرفت‌های جدید یک رشته است، اما به دلیل گوناگونی در ماهیت قلمرو رشته‌ها نمی‌توان معیارهای کاملاً یکسانی برای تعیین

روزآمدی منابع معرفی کرد زیرا مفهوم روزآمدی در مباحث گوناگون متفاوت است (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۹).

یکی از ویژگی‌های متن ادبی آن است که ناقدان با سطوح دریافت متفاوت و مبتنی بر رویکردهای نقدی و دیدگاه و نظریه‌های ادبی جدید می‌توانند به برداشت‌های جدیدی از آن‌ها برسند و در قالب کتاب و مقاله در اختیار خوانندگان و نویسندگان قرار دهند. انتظار می‌رود نویسنده کتاب درسی دانشگاهی به آخرین نوشته‌ها و نقدها مراجعه و از آن‌ها در نوشته خود استفاده کند و یا آن‌ها را نقل و نقد کند.

در کتاب موردبحث که به شعر عباسی پرداخته است از مجموع ۶۶ منبع استفاده شده فقط ۴ منبع از منابع معاصر است؛ یعنی مؤلف کتاب به آنچه ناقدان معاصر در خصوص ادب و شاعران عصر عباسی گفته‌اند، توجه نکرده است. آیا مؤلف به منابع دسترسی نداشته است؟ یقیناً پاسخ منفی است، زیرا وی در مصر و اسکندریه منابع کتابخانه‌ای زیادی در اختیار داشته و از سوی دیگر امروزه با توجه به گسترش شبکه اینترنت، کتاب‌ها و مقالات نقدی بسیاری را می‌توان در همه حوزه‌ها به سهولت به دست آورد و اگر هم نویسنده منابع جدید را دیده است نامی از آن‌ها نبرده است. به این سبب می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب از نظر اشاره به دیدگاه و نقد معاصران و استفاده از آن‌ها دچار کاستی است.

۴-۵. طرح پرسش در متن کتاب

متن کتاب باید روح انتقادی را در خواننده پرورش دهد و خواننده جوان را برای شناخت علمی به تکاپو وادارد و در عین حال، تواضع علمی را به او یاد دهد، به همین دلیل نویسندگان کتاب‌های دانشگاهی باید در پایان هر مبحث یا فصلی از اثر خود سؤالاتی را که سبب می‌شود دانشجویان را به تفکر و توجه به واقعیات برانگیزد، مطرح کند (کاردان، ۱۳۸۲، ص. ۱۸).

در کتاب موردبحث با اینکه نویسنده در مقدمه اشاره می‌کند که کتاب را برای دانشجویان و پژوهشگران تألیف کرده است، اما نه در آغاز و نه در پایان فصل‌ها هیچ‌گونه پرسشی را طرح نمی‌کند تا حداقل خواننده را به بازخوانی نکته‌های مهم و اصلی متن‌ها و روایت‌ها تشویق و ترغیب کند و حتی در مقدمه کتاب نیز شاهد طرح پرسشی به‌عنوان پرسش پژوهش

نیستیم و این در حالی است که این کتاب در آغاز قرن ۲۱ تألیف شده و بحث‌های گوناگون درخصوص منابع پژوهش علمی و دانشگاهی به‌وفور در اختیار پژوهشگران قرار داشته است.

۵- انسجام و یکپارچگی

یکی دیگر از ویژگی‌های محتوایی که در کتاب درسی باید مدنظر قرار گیرد انسجام و به هم پیوستگی متن است که «به قابلیت یادگیری آن می‌افزاید» (ملکی، ۱۳۸۴، ص. ۱۳ به نقل از هالیدی و حسن، ۱۹۷۶) و به‌طور دقیق‌تر می‌توانیم بگوییم:

منظور از انسجام، پیوند منطقی میان اجزای خرد و کلان یک متن است، به نحوی که خواننده سیر طبیعی و پیوسته کلام نویسنده را در آن ببیند و موضوع را دنبال کند. به این ترتیب، انسجام می‌تواند میان جمله‌های یک پاراگراف، میان پاراگراف‌های یک فصل و یا میان فصول یک کتاب باشد (منصوریان، ۱۳۹۲، ص. ۱۲).

با نگاهی به باب اول کتاب که به «شعر در دربار خلفای عصر اول عباسی» اختصاص دارد درمی‌یابیم که انسجام بین جمله‌ها و پاراگراف‌ها و فصل‌ها کامل است، چون هر فصل به نام یک خلیفه نام‌گذاری شده و در هر فصل روایات گوناگون تاریخی ذکر می‌شود که خلیفه عباسی محور آن است و هدف نهایی پاراگراف‌ها اثبات جایگاه شعر و شاعران در بارگاه خلفای عباسی است.

جمله‌ها در متن کاملاً روان و یکدست است و استفاده بهینه و خوبی از حروفی مثل «ف»، «و»، «ولکن»، «إن»، «لأن» و... برای پیوند بین پاراگراف‌ها شده است.

اما باب دوم را که نویسنده به «شعر در کاخ‌های خلفای عباسی» اختصاص داده، نمی‌توان به باب اول پیوند منطقی داد، زیرا بالغ بر دو سوم کتاب در باب اول، به خلفا اختصاص داده شده و کم‌تر از یک سوم در این باب به فرزندان، برادران، کنیزان و به‌طور کلی بستگان خلفا و کسانی که در قصرها می‌زیسته‌اند، اختصاص یافته است. روایت‌ها هم در این بخش تابع یک منطق نیستند تا خواننده بتواند حدس بزند که نویسنده پس از این روایت به چه کسی خواهد پرداخت. سیر منطقی در ترتیب روایت وجود ندارد، هرچند که عبارت‌ها و پاراگراف‌ها در هر صفحه و روایت، روان و قابل فهم و یکدست هستند و ارتباط بافت معنا در یک پاراگراف با مابعد رعایت شده است.

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که این کتاب در انسجام کلی دارای ضعف است.

۶-۵. ارتباط افقی مطالب کتاب با سایر درس‌ها

مواد درسی که در یک دوره تحصیلی تدریس می‌شوند یک نظام ارتباطی تشکیل می‌دهند که تأثیر مجموع آن‌ها منجر به رشد فکری یادگیرنده می‌شود. یکی از شاخص‌های اثربخش بودن برنامه درسی و به تبع آن کتاب‌های درسی و سایر مواد آموزشی، میزان نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر است (ملکی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵).

اگر ورود به نگارش تاریخ ادب «نیازمند تخصص‌های زیادی همچون سبک‌شناسی، نقد ادبی و بلاغت است و هم نیازمند آگاهی از مبانی و مسائل روش‌شناسی» (قمری، ۱۳۹۶، ص. ۷۷). پس باید در کتاب نگارش شده نیز درپیی ردپایی از دانش‌های فوق باشیم، به گونه‌ای که دانشجو با مطالعه کتاب، بهره‌ای از دانش‌های فوق ببرد و مفاهیم این کتاب، هم‌راستا با دیگر مفاهیم علمی و تکمیل‌کننده منظومه فکری فراگیر باشد.

این در حالی است که کتاب موردبحث از طرفی مشخص نیست که برای کدام یک از مقاطع سه‌گانه تحصیلی دانشگاه نوشته شده است و از طرف دیگر به جز حدود ۳۴ روایت که نویسنده آن‌ها را تفسیر و تحلیل کرده است، مانند آنچه در صفحات ۲۸، ۴۲، ۴۶، ۷۴، ۱۱۸، ۱۳۳ و... آمده و ۲۳۶ روایات دیگر را فقط نقل کرده است بی‌آنکه تفسیری اندک درباره آن‌ها نوشته باشد و در همان ۳۴ روایت که تفسیر شده است به هیچ وجه به مسائل بلاغی، زبان‌شناسی و سبک شعرها و شاعران اشاره‌ای نشده است، بلکه فقط به لحاظ معنایی تحلیل و تفسیر شده است.

نکته مهم‌تر این است که نزدیک‌ترین درس به تاریخ ادبیات، متون نظم و نثر است و انتظار می‌رود که این دو درس بیشترین ارتباط را با هم داشته باشند و مطالب تاریخ ادبیات مبتنی بر تحولات ادب و تغییرات و دگرگونی‌های انواع ادبی باشد و آثار ادیبان مطابق آن تحول‌ها مطالعه و نقد و بررسی شود، حال آنکه رویکرد نویسنده در این کتاب، سیاسی است و خلفای عباسی را محور هر فصل قرار داده است و نه ادیبان و ادبیات را. کتاب به هیچ روی به تحولات و رویکردهای شعر در این دوره نپرداخته است و به این ترتیب ارتباط افقی با درس متون نظم و نثر عباسی اول که در دانشگاه تدریس می‌شود نیز ندارد، زیرا در دانشگاه، مبنای سرفصل‌ها، ادب و ادیبان است.

۶. نتیجه

الف) شاخص ارزیابی ظاهر

نقاط قوت:

- عموم جمله‌ها از نظر ساختار کوتاه هستند و این مزیتی است که به فهم عبارت به‌ویژه برای خواننده غیرعرب، کمک می‌کند.
- پاراگراف‌بندی کتاب مناسب است.
- استحکام و شیرازه کتاب مناسب است.
- از فونت مناسبی برای نگارش کتاب استفاده شده است.

نقاط ضعف:

- در کتابی موردنظر هیچ‌گونه طراحی گرافیکی برای جلد انجام نشده است تا جذابیت بصری ایجاد کند.
- تفاوت «ی» و «ی» در نگارش واژه‌ها که باعث صحیح خواندن واژه‌ها می‌شود در سراسر کتاب رعایت نشده است.
- در صفحه‌آرایی، بین قلم ابیات شعری و متن اصلی تفاوتی قائل نشده است.
- تعداد سطرها در تمامی صفحات تابع نظم معینی نیست و فضاهاى خالی زیادی در انتهای صفحات دیده می‌شود.
- در برخی از صفحات نیز واژه‌ها ناخوانا هستند و به‌نظر می‌رسد ویراستاری نهایی نشده است.
- در باب‌بندی کتاب، تناسب در حجم آن‌ها رعایت نشده است.
- اساس طراحی مطالب کتاب بر محور ادب و ادیبان نیست، بلکه بر اساس نام خلفای عباسی است.
- غلط‌های چاپی بسیار زیادی وجود دارد.
- روش ارجاع برون‌متنی (پانویس) که در این کتاب انتخاب شده است ناقص و نارساست.
- وجود فهرست منابع از ضروریات هر کتاب دانشگاهی است که این اثر فاقد آن است.

ب) شاخص ارزیابی محتوا

نقاط قوت:

- انسجام بین جمله‌ها و پاراگراف‌ها و فصل‌ها (در باب اول) مناسب است.
- جمله‌ها کاملاً روان و یک‌دست است.
- از حروف ربط برای پیوند دادن عبارت‌ها و پاراگراف‌ها به‌خوبی استفاده شده است.

نقاط ضعف:

- بین عنوان و موضوع کتاب تناسب کاملی وجود ندارد.
- نویسنده هیچ روش و هدف مشخصی را برای کتاب خود تعیین نکرده است.
- این اثر جامعیت لازم را ندارد.
- در معیار روزآمدی نیز کتاب از دیدگاه‌ها و منابع تحلیلی و نقدی معاصر بسیار اندک استفاده کرده است.
- از آغاز تا پایان کتاب حتی برای بازخوانی نکته‌های مهم و اصلی متن، هیچ پرسشی مطرح نشده است.
- به لحاظ ساختار و حجم بین باب اول و دوم هیچ انسجامی نیست و اگر محتوای موجود در باب دوم در فصل‌های باب اول ادغام می‌شد هیچ خللی به انسجام و ساختار محتوایی کتاب وارد نمی‌شد.
- محتوای این کتاب با سایر درس‌ها حتی درس متون نظم و نثر نمی‌تواند پیوند و ارتباطی داشته باشد، چراکه ساختار کتاب تاریخ ادب مطابق اصول تعریف‌شده را ندارد.
- تمامی فصل‌ها و باب‌ها فاقد جمع‌بندی و نتیجه‌گیری است.
- به‌طور کلی با توجه به اشکالات و کاستی‌های بسیاری که در این کتاب وجود دارد و معیارهای یک کتاب درسی دانشگاهی را ندارد و با سرفصل هیچ یک از مقاطع سه‌گانه موجود نیز همخوانی ندارد، به‌نظر می‌رسد به‌منزله منبع اصلی درس تاریخ ادبیات عصر عباسی اول مناسب نباشد. اما حاوی اطلاعات متنوع و ارزشمند ادبی و تاریخی است که می‌تواند به‌عنوان منبع جنبی در مقطع دکتری پیشنهاد شود.

منابع

- اسلامی، س.ح. (۱۳۹۲). چرا و چگونه ارجاع دهیم؟. آینه پژوهش، ۱، ۱-۱۲.
- رضی، ا. (۱۳۸۸). شاخص‌های ارزیابی و نقد کتاب‌های درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۲۱، ۲۱-۳۰.
- عطیه، ع.ع. (۲۰۰۵). ملامح الأدب فی العصر العباسی الأول. اسکندریه: مکتبه بستان المعرفة.
- فتوحی، م. (۱۳۸۷). نظریه تاریخ ادبیات. تهران: سخن.
- قمری، ح. (۱۳۹۶). ویژگی‌های محتوای درسی مطلوب تاریخ ادبیات در دوره دوم متوسطه، رشته ادبیات و علوم انسانی. نوآوری‌های آموزشی، ۶۴، ۷۷-۱۰۰.
- کاردان، ع.م. (۱۳۸۲). نقش کتاب دانشگاهی و ویژگی‌های آن. سخن سمت، ۱۰، ۱-۱۳.
- متقی‌زاده، ع. (۱۳۷۹). نقد و تحلیل محتوا در تراز کتاب‌های درسی دانشگاهی مطالعه موردی: کتاب قواعد و متون عربی. پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌ریزی علوم انسانی، ۴، ۲۱۷-۲۳۳.
- ملکی، ح. (۱۳۸۴). شیوه طراحی و تألیف کتب درسی. سخن سمت، ۱۵، ۹-۲۲.
- ملکی، ح. (۱۳۸۵). مبانی و معیارهای نقد کتاب درسی دانشگاهی. سخن سمت، ۱۷، ۷-۲۰.
- منصوریان، ی. (۱۳۹۲). صد ویژگی کتاب‌های دانشگاهی کارآمد و اثربخش. پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۹، ۱-۱۷.
- میرباقری فرد، س.ع.ا. (۱۳۹۶). درباره تاریخ ادبیات (مقدمه). تهران: سمت.